



دو مقاله

■ طرح مجازات اسلامی در بوته نقد  
■ سن کیفر و نگاه از چند زاویه  
پژوهشگر: پرتال جامع علوم انسانی



طرح ها و لوگو



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

مدخل

طرح مجازات اسلامی برای تبدیل قانون آن از حالت آزمایشی به دائمی، تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است تا پس از تصویب کلیات آن، در شور دوم به تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار گیرد. در نخستین مقاله، پیشنهاد های اصلاحی و تکمیلی مرکز پژوهش ها در مورد بخش های دیگری از این طرح، ارائه شده است.

مقاله دوم تحت عنوان «سن کیفر و نگاه از چند زاویه» به موضوع جرایم کودکان پرداخته و حداقل سن کیفری - سنی که کمتر از آن، افراد پیش از حد عودسالند که مسئول اعمال خویش باشند - را در بکته بررسی تطبیقی، به ارزیابی گرفته است.

## ■ طرح مجازات اسلامی در بوته نقد

دفتر بررسی‌های حقوقی

### مقدمه

چهار کتاب نخست از قانون مجازات اسلامی در کمیسیون امور قضائی و حقوقی بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی به طور آزمایشی به تصویب رسید و مدت اجرای آن ۵ سال معین گردید. مدت اجرایی این قانون در ۲۶ بهمن ماه ۱۳۷۶ خاتمه یافت. متعاقباً با تقدیم لایحه‌های مدت اجرای آزمایشی این قانون برای ۱۰ سال تمدید گردید. در سال ۱۳۷۶ شماری از نمایندگان مجلس طرحی را تحت عنوان «طرح مجازات اسلامی» تقدیم مجلس نمودند تا در این راستا هم قانون فوق دائمی شده و هم فرصتی برای اصلاح و بازنگری قانون حاصل گردد. مرکز پژوهش‌ها پس از تصویب کلیات طرح، از آن جهت که طرح فوق بزودی در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت، گروه کارشناسی ویژه‌ای را متشکل از قضات عالی رتبه دیوان عالی کشور و حقوق دانان و آگاهان بر مسائل فقهی تشکیل پس از ۸ ماه فعالیت گروه‌ها و برگزاری جلسات کارشناسی، حاصل آن را جهت نمایندگان محترم آماده نموده که قسمت اول آن در شماره ۲۴ نشریه مجلس

و پژوهش منتشر گردید و اینک قسمت دوم آن جهت اطلاع خوانندگان تقدیم می‌گردد. لازم به یادآوری است که ماحصل بررسی‌های به عمل آمده به صورت طرح پیشنهادی مرکز ارائه شده و دلایل توجیهی اصلاحات، در زیرنویس ذکر شده است.

### باب اول - زنا<sup>۱</sup>

**فصل اول - تعریف و موجبات حدّ زنا**  
**ماده ۶۳-** زنا عبارت است از جماع مرد وزنی که بین آنان علقه زوجیت نباشد گرچه در دهر باشد در غیر موارد و طی به شبهه.<sup>۲</sup>  
**ماده ۶۴-** زنا در صورتی موجب حدّ می‌شود که زانی یا زانیه بالغ و عاقل و مختار بوده و به حکم و موضوع آن نیز آگاه باشد.  
**ماده ۶۵-** هر گاه مرد یا زنی حرام بودن زنا با

۱. کلمه «حدّ» از عناوین ابواب مختلفه کتاب حدود حذف شده است. اولاً، عنوان کتاب دوم «محدوده خود گویند». ثانیاً، ذکر کلمه حدّ در عنوان ابواب موجب تکرار و تداخل با عناوین بعضی سرفصل‌ها می‌شود.  
 ۲. ماده ۶۳- حرف اضافه «بها» به حرف عطف «و» تبدیل شده است. با این اصلاح تعریف حدّ زنا هم زانی مرد را در بر می‌گیرد و هم زانی زن را. عبارت «بها» ذاتاً حرام است؛ نیز حذف و عبارت «بین آنان علقه زوجیت نباشد» جایگزین شده است. تقدیم حرمت ذاتی، گرچه به منظور استخراج حرمت‌های عارضی نظیر حیض و نفاس و احرام بوده اما با توجه به ابهام مفهومی آن حذف شده و قید روشن‌تری که مفید همان مناسبت چاشن آن شده است.

## طرح‌های اصلاحی

برای او تقاضای عفو نماید یا حد را بر او جاری سازد. چنانچه قبل از اقرار توبه کرده باشد حد از او ساقط می‌شود.<sup>۶</sup>

ماده ۷۳- زنی که همسر ندارد به صرف باردارشدن مورد حد قراز نمی‌گیرد مگر آن که زناي او با یکی از راه‌های مذکور در این قانون ثابت شود.

ماده ۷۴- زناچه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم باشاهدات چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دوزن عادل ثابت می‌شود. ماده ۷۵- در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد باشاهدات دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می‌شود.

ماده ۷۶- شهادت زنان به تنهایی یا به

دیگری را بدانند و طرف مقابل از این امر آگاه نباشد فقط طرفی که آگاه بوده محکوم به حد زنا می‌شود.<sup>۱</sup>

ماده ۶۶- هرگاه مرد یا زنی که باهم جماع نموده‌اند ادعای اشتباه و ناآگاهی کنند، در صورتی که احتمال صدق مدعی داده شود ادعای مذکور بدون شاهد و سوگند پذیرفته می‌شود و حد از وی ساقط می‌گردد.<sup>۲</sup>

ماده ۶۷- هرگاه زانی یا زانیه ادعا کند که به زنا اکراره شده است ادعای او در صورتی که یقین بر خلاف آن نباشد قبول می‌شود.

فصل دوم- راه‌های اثبات زنا در دادگاه<sup>۳</sup>

ماده ۶۸- هرگاه مرد یا زنی چهار بار نزد حاکم اقرار به زنا کند هرچند در یک جلسه باشد محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید تعزیر می‌شود.<sup>۴</sup>

ماده ۶۹- اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف بلوغ، عقل، اختیار و قصد باشد.

ماده ۷۰- اقرار باید صریح و مقرون به قرآنی باشد که احتمال عقلایی خلاف در آن داده نشود.<sup>۵</sup>

ماده ۷۱- هرگاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید در صورتی که اقرار به زنايي باشد که موجب قتل یا رجم است با انکار بعدی حد رجم و قتل ساقط می‌شود در غیر این صورت با انکار بعد از اقرار حد ساقط نمی‌شود.

ماده ۷۲- هرگاه اثبات زناي موجب حد مستند به اقرار باشد در صورتی که اقرارکننده توبه نماید دادگاه پس از احراز توبه می‌تواند

۱. ماده ۶۵- لفظ «جماع» حذف شده و لفظ «زنا» جانشین آن شده است. از حرمت جماع اعم است حرمت زنا؛ هر زنايي جماع حرام است اما هر جماع حرامی زنا محسوب نمی‌شود به علاوه عبارت «و گمان کند ارتکاب این عمل برای او جایز است» نیز به دلیل وضوح مطلب حذف شده است.

۲. ماده ۶۶- قید «از وی» به ذیل ماده اضافه شده است. این قید برای تصریح این مطلب بوده که حد تنها نسبت به مدعی اشتباه و ناآگاهی ساقط می‌شود نه مطلقاً.

۳. در عنوان فصل کلمه «ثبوت» به «اثبات» تبدیل شده است چرا که مراد اثبات در دادگاه و در ظاهر است نه ثبوت در عالم واقع.

۴. ماده ۶۸- حرف اضافه «هر» زائد به نظر رسیده و حذف شده است. به علاوه قید «و وحدت مجلس اقرار» در متن پیشنهادی گنجانده شده است. منابع فقهی با توجه به اطلاق روایات متعدد مجالس اقرار را شرط اثبات زنا ندانسته‌اند (چهارموسم الکسلاّم، ج ۱۲، ص ۱۶۲، شرح اللمعة- ج ۹، ص ۳۳).

۵. عبارت «یا به طوری ظاهر باشد» مبهم است به همین خاطر عبارت «مقرون به قرآنی» اضافه جایگزین آن شده است.

۶. ماده ۷۲- متن ماده از لحاظ عبارت اصلاح شده و از نظر حکمی نیز به مسئله سقوط حد با توبه پیش از اقرار اشاره شده است.



الف- زناي مرد محصن، يعني مردی که دارای همسر دائمی است و در حالی که عاقل بوده با او جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد می‌تواند با او جماع کند.

ب- زناي زن محصنه با مرد بالغ، زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر در حالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جماع با شوهر را نیز داشته باشد. تبصره- زناي محصنه با نابالغ موجب حدّ جلد است.<sup>۵</sup>

ماده ۸۳- بر پيرمرد يا پيرزنی که دارای شرایط احصان باشند قبل از رجم حدّ جلد جاری می‌شود.

ماده ۸۴- طلاق رجعی قبل از سبری شدن ایام عدّه مرد یا زن را از احصان خارج نمی‌کند ولی

۱. ماده ۷۷- به حکم ذیل ماده قیده طبق احکام کتفه اضافه شده است.

۲. ماده ۷۸- اعضای کمیسیون به اتفاق آرا حذف حکم ذیل ماده و در این صورت شهادت دهنده مورد حدّ قذف قرار می‌گیرد و لازم دانسته‌اند. منطقی نیست که عدم حضور بعضی از شهود موجب مجازات بعضی دیگر که ممکن است نسبت به مورد شهادت یقین هم داشته باشند مستهی گردد. این حکم ممکن است مورد سوءاستفاده واقع شود و توالی فاسد به بار آورد.

۳. ماده ۷۹- قید و پس از قطعیت حکم به صدر ماده اضافه شده است. اجرای حکم جزایی همیشه منوط به قطعیت است.

۴. ماده ۸۱- کلمه «قفل» به «اعدام» تبدیل شده است. در اصطلاح حقوق جزا قتل از انواع جرایم است نه از اقسام مجازات‌ها.

۵. ماده ۸۲- در قسمت (الف) عبارت «ها» و «ها» جایه جا شده و به صورت زیر پیشنهاد شده است: «زناي مرد محصن يعني مردی که دارای همسر دائمی بوده و در حالی که عاقل بوده و با او جماع کرده...». منظور عاقل بودن مرد حین مفارقت است با جابه جایی مزبور بیان چنین مقصودی روشن‌تر خواهد بود. در تبصره همین ماده «نابالغ» به «جلده» تبدیل شده است. این تبدیل در موارد دیگر هم صورت گرفته است.

انضمام شهادت یک مرد عادل زنا را ثابت نمی‌کند بلکه در مورد شهود مذکور حدّ قذف طبق احکام کتفه جاری می‌گردد.

ماده ۷۷- هر گاه شهود خصوصیات مورد شهادت را بیان کنند این خصوصیات باید از لحاظ زمان و مکان و مانند آنها اختلاف نداشته باشند. در صورت اختلاف بین شهود علاوه بر این که زنا ثابت نمی‌شود شهود نیز طبق احکام کتفه به حدّ قذف محکوم می‌گردند.<sup>۱</sup>

ماده ۷۸- شهود باید بدون فاصله زمانی یکی پس از دیگری شهادت دهند. اگر بعضی از شهود شهادت بدهند و بعضی دیگر بلافاصله برای ادای شهادت حضور پیدا نکنند یا شهادت ندهند زنا ثابت نمی‌شود.<sup>۲</sup>

ماده ۷۹- حدّ زنا پس از قطعیت حکم جز در موارد مذکور در مواد آتی باید فوراً اجرا گردد.<sup>۳</sup>

ماده ۸۰- هر گاه زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید حدّ از او ساقط می‌شود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حدّ ساقط نمی‌شود.

فصل سوم- اقسام حدّ زنا

ماده ۸۱- حدّ زنا در موارد زیر اعدام است و فرقی بین جوان و غیرجوان و محصن و غیر محصن نیست:<sup>۴</sup>

الف- زنا با محارم نسبی؛

ب- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است؛

ج- زناي غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است؛

د- زناي به عنف و اکراه که موجب اعدام اکراه کننده است.

ماده ۸۲- حدّ زنا در موارد زیر رجم است:

## طرح مجازات

می‌شود ولی اگر محکوم به جلد باشد اجرای حدّ تارفع بیماری یا استحاضه به تأخیر می‌افتد. تبصره - حیض مانع اجرای حدّ نیست. ماده ۹۳ - هرگاه امید بهبودی مریض نباشد یا حاکم شرع مصلحت بداند که در حال مرض حدّ جاری شود یک دسته تازیانه یا ترکه که مشتمل بر صد و احد باشد فقط یک بار به او زده می‌شود، هر چند همه آنها به بدن محکوم نرسد.

ماده ۹۴ - هرگاه محکوم به حدّ دیوانه یا مرتد شود حدّ از او ساقط نمی‌شود. ماده ۹۵ - حدّ جلد را نباید در هوای بسیار سرد یا بسیار گرم جاری نمود. ماده ۹۶ - حدّ را نمی‌شود در سرزمین دشمنان اسلام جاری کرد.

### فصل چهارم - کیفیت اجرای حدّ

ماده ۹۷ - هرگاه شخصی محکوم به چند حدّ شود اجرای آنها باید به ترتیبی باشد که هیچ کدام از آنها زمینه دیگری را از بین نبرد. بنابراین اگر کسی به جلد و رجم محکوم شود، اول باید حدّ جلد و بعد حدّ رجم را جاری ساخت. ماده ۹۸ - حذف شده.<sup>۱</sup>

۱. ماده ۸۷ - فعل «نباشنده» به صورت مفرد درآمده است. به علاوه عبارت «صد تازیانه» به «صد ضربه شلاق» تبدیل شده است. این تغییر به منظور هماهنگی با آنچه در مراد عمومی آمده در این موارد دیگر هم صورت گرفته است.

۲. ماده ۹۰ - در قسمت دوم قبل از «جاری نمی‌شود» کلمه «حدّ» اضافه شده است.

۳. ماده ۹۸ - حذف این ماده پیشنهاد شده است. این گونه احکام استجابی هستند. درج احکام استجابی در مقررات جزایی که اجرای آنها الزامی است. خلاف اصول قانون‌گذاری است. تبصره ماده نیز حکایت از زائد بودن چنین حکمی دارد. حذف تبصره هم پیشنهاد شده است.

طلاق باین آنها را از احصان خارج می‌نماید. ماده ۸۵ - زناي مرد یا زنی که همسر دائمی دارد ولی به واسطه مسافرت یا حبس و مانند آنها از عذرهای موجه به همسر خود دسترسی ندارد موجب رجم نیست.

ماده ۸۶ - مرد متاهلی که قبل از دخول مرتکب زنا شود به حدّ جلد و تراشیدن سرو تبعید به مدت یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۸۷ - حدّ زناي زن با مردی که واجد شرایط احصان نباشد صد ضربه شلاق است.<sup>۱</sup> ماده ۸۸ - تکرار زنا قبل از اجرای حدّ در صورتی که مجازات‌ها از یک نوع باشند موجب تکرار حدّ نمی‌شود ولی اگر مجازات‌ها از یک نوع نباشند قبل از رجم زانی حدّ جلد بر او جاری می‌شود.

ماده ۸۹ - هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هر بار حدّ بر او جاری شود در مرتبه چهارم اعدام می‌شود.

ماده ۹۰ - در ایام بارداری و نفاس زن، حدّ اعدام یا رجم بر او جاری نمی‌شود. همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن او برود حدّ جاری نمی‌شود. ولی اگر برای نوزاد کفیل پیدا شود حدّ جاری می‌گردد.<sup>۲</sup>

ماده ۹۱ - هرگاه در اجرای حدّ جلد بر زن باردار یا شیرده احتمال بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد اجرای حدّ تا رفع بیم ضرر به تأخیر می‌افتد.

ماده ۹۲ - هرگاه مریض یا زن مستحاضه محکوم به اعدام یا رجم شده باشد حدّ بر او جاری

ماده ۹۹- حدّ جلد مرد زانی باید ایستاده و در حالی اجرا گردد که پوشاکی جز ساتر عورت نداشته باشد. شلاق به تمام بدن وی غیر از سر و صورت و عورت زده می‌شود. شلاق را به زن زانی در حالی می‌زنند که زن نشسته و لباس‌های او به بدنش بسته باشد.<sup>۱</sup> ماده ۱۰۰- حذف شد.<sup>۲</sup>

ماده ۱۰۱- مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال جای می‌دهند و آن‌گاه رجم می‌نمایند.<sup>۳</sup>

ماده ۱۰۲- در رجم سنگ‌ها باید کوچک باشند اما نه به اندازه‌ای که نام سنگ بر آنها صدق نکند.<sup>۴</sup>

ماده ۱۰۳- حذف شد.<sup>۵</sup>

ماده ۱۰۴- زنا در زمان‌های مشرکه چون اعیاد مذهبی و رمضان و جمعه و مکان‌های شریف چون مساجد علاوه بر حدّ موجب تعزیر است.

ماده ۱۰۵- حذف شد.

## باب دوم- لواط

فصل اول- تعریف و موجبات حدّ لواط و تفخیز<sup>۶</sup>

ماده ۱۰۶- لواط وطی انسان مذکر است.<sup>۷</sup>

ماده ۱۰۷- فاعل و مفعول لواط هر دو محکوم به حدّ خواهند شد.

ماده ۱۰۸- حدّ لواط اعدام است.<sup>۸</sup>

ماده ۱۱۱- لواط در صورتی موجب اعدام می‌شود که فاعل و مفعول بالغ و عاقل و مختار باشند.

ماده ۱۱۲- هر گاه مرد بالغ و عاقل با نابالغی لواط کند فاعل اعدام می‌شود و مفعول اگر

مکروه نباشد تأدیب می‌شود.<sup>۹</sup> ماده ۱۱۳- هر گاه نابالغی نابالغ دیگر را وطی کند هر دو تأدیب می‌شوند مگر آن که یکی از آنها اکراه شده باشد.<sup>۱۰</sup>

فصل دوم- راه‌های اثبات لواط در دادگاه<sup>۱۱</sup> ماده ۱۱۴- حدّ لواط با چهار بار اقرار نزد حاکم شرع نسبت به اقرارکننده ثابت می‌شود هر چند در یک جلسه باشد.<sup>۱۲</sup>

ماده ۱۱۵- اقرار کمتر از چهار بار موجب حدّ نیست و اقرارکننده تعزیر می‌شود.

۱. ماده ۹۹- قید «به شدت» حذف شده است. این قید ظاهراً با مفاد منابع معتبر فقهی منافات دارد.

۲. ماده ۱۰۰- حکم این ماده نیز از احکام استصحابی است لذا، حذف آن پیشنهاد شده است.

۳. ماده ۱۰۱- عبارت «دفع می‌کنند» حذف شده و عبارت «جای می‌دهند» جایگزین آن شده است.

۴. ماده ۱۰۲- عبارت این ماده با توجه به سوابق فقهی آن اصلاح شده است.

۵. ماده ۱۰۳- مسئله علم قاضی در ماده ۲۰۳ مکرر به عنوان یک حکم کلی مطرح شده است.

۶. از آنجا که حدّ تفخیز در همین باب پیش‌بینی شده از کلمه «تفخیز» به عنوان باب افزوده شده است.

۷. ماده ۱۰۶- ذیل ماده «چه به صورت دخول باشد یا تفخیز» حذف شده است. چه در عنوان لواط و وطی تنها بر مراد دخول قابل اطلاق‌اند.

۸. ماده ۱۰۸- «دفع» به «اعدام» تبدیل شده است. عبارت «و کیفیت نوع آن در اختیار حاکم شرع است» نیز حذف شده است. مجازات‌ها هم همچون جرایم تابع اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها هستند اجزای انتخاب نوع و کیفیت اعمال مجازات به حاکم خلاف این قاعده از قواعد اساسی حقوق جزاست.

۹. ماده ۱۱۲- «کشته می‌شود» به «اعدام می‌شود» تبدیل شده است. عبارت «تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیر می‌شود» نیز به «تأدیب می‌شود» تبدیل شده است. پیش‌بینی مجازات برای افراد نابالغ با اصل فقدان مسئولیت کیفری اطفال که در مواد عمومی پیش‌بینی شده منافات دارد.

۱۰. ماده ۱۱۳- در این ماده نیز تعزیر به تأدیب تبدیل شده است.

۱۱. در عنوان فصل - ثبوت به اثبات تبدیل شده است.

۱۲. ماده ۱۱۴- قید هر چند در یک جلسه باشد به ذیل ماده اضافه شده است. توضیح مختصر این مطلب در زیرنویس مربوط به ماده ۶۸ آمده است.

## شرح احادیث

اجرای حد نخواهد بود.  
تبصره- سقوط حد با توبه مانع استماع شهادت و حکم به مجازات تعزیری نخواهد بود.<sup>۲</sup>

ماده ۱۲۶- هر گاه اثبات لواط و تفخیذ و نظایر آن مستند به اقرار باشد در صورتی که اقرار کننده توبه نماید دادگاه پس از احراز توبه می تواند برای او تقاضای عفو نماید یا حد را بر او جاری سازد. چنانچه قبل از اقرار توبه کرده باشد حد از او ساقط می شود.<sup>۳</sup>

### باب سوم- مساحقه

ماده ۱۲۷- مساحقه همچون بازی زنان است با اندام تناسلی.

ماده ۱۲۸- راه های اثبات مساحقه در دادگاه همان راه های اثبات لواط است.

ماده ۱۲۹- حد مساحقه برای هر یک از طرفین صد ضربه شلاق است.

ماده ۱۳۰- حد مساحقه درباره کسی ثابت می شود که بالغ، عاقل، مختار و دارای قصد

۱. ماده ۱۲۰- مسئله حجیت علم قاضی در ماده ۲۰۳ مکرر به عنوان یک حکم کلی مطرح شده است.

۲. ماده ۱۲۵- عبارت اصل ماده بدون تغییر حکم آن اصلاح شده است. در تبصره ماده حکم جدیدی انشا شده است راست است. که بنای حدود بر تخفیف و احتیاط است و در همین راستا گفته شده که توبه مرتکب پیش از ادای شهادت موجب سقوط حد است اما مجرمیت چنین شخصی و نقض مقررات شرعی و تجاوز به حقوق عمومی از سوی او در هر حال محرز است. لذا، تحمیل مجازات از نوع تعزیر بر وی موجه و منطقی می نماید.

۳. ماده ۱۲۶- حکم این ماده شبیه حکم ماده ۷۲ است. لذا، اصلاح آن نیز به همان ترتیب مقرر در ماده مذکور به عمل آمده است.

ماده ۱۱۶- اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ، عاقل، مختار و دارای قصد باشد.

ماده ۱۱۷- حد لواط با شهادت چهار مرد عادل که آن را مشاهده کرده باشند ثابت می شود.

ماده ۱۱۸- با شهادت کمتر از چهار مرد عادل لواط ثابت نمی شود و شهود به حد قذف محکوم می شود.

ماده ۱۱۹- شهادت زنان به تنهایی یا به ضمیمه مرد لواط را ثابت نمی کند.

ماده ۱۲۰- حذف شد.<sup>۱</sup>

ماده ۱۲۱- حد تفخیذ و نظایر آن بین دو مرد بدون دخول برای هر یک صد ضربه شلاق است.

تبصره- در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل اعدام است.

ماده ۱۲۲- اگر تفخیذ و نظایر آن سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد در مرتبه چهارم حد آن اعدام است.

ماده ۱۲۳- هر گاه دو مرد که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت درزیر یک پوشش به طور برهنه قرار گیرند هر دو تا نودونه ضربه شلاق تعزیر می شوند.

ماده ۱۲۴- هر گاه کسی دیگری را از روی شهوت ببوسد تا شصت ضربه شلاق تعزیر می شود.

ماده ۱۲۵- در لواط و تفخیذ و نظایر آن توبه قبل از شهادت در صورت احراز موجب سقوط حد است. توبه بعد از شهادت مانع





باشد.

تبصره- در حدّ مساحقه فرقی بین فاعل و مفعول و همچنین فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان نیست.

ماده ۱۳۱- هر گاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حدّ جاری گردد در مرتبه چهارم حدّ آن اعدام است.

ماده ۱۳۲- اگر مساحقه کننده قبل از شهادت شهود توبه کند حدّ ساقط می شود اما توبه بعد از شهادت موجب سقوط حدّ نیست.

ماده ۱۳۳- اگر مساحقه با اقرار شخص اثبات شود و وی پس از اقرار توبه کند قاضی می تواند برای او تقاضای عفو کند یا حدّ را بر او جاری سازد.<sup>۱</sup>

ماده ۱۳۴- هر گاه دو زن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد ضربه شلاق تعزیر می شوند.<sup>۲</sup>

### باب چهارم- قوادی

ماده ۱۳۵- قوادی عبارت است از مرتبط کردن دونفر یا بیشتر برای زنا یا لواط.<sup>۳</sup>

ماده ۱۳۶- قوادی با دو بار اقرار ثابت می شود به شرط آن که اقرار کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد.

ماده ۱۳۷- قوادی با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود.

ماده ۱۳۸- حدّ قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق و تبعید از محل به مدت سه ماه تایک سال است و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است.

### باب پنجم- قذف

ماده ۱۳۹- قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگر.<sup>۴</sup>

ماده ۱۴۰- حدّ قذف برای قذف کننده مرد یا زن هشتاد ضربه شلاق است.

تبصره ۱- اجرای حدّ قذف منوط به درخواست مقذوف است.<sup>۵</sup>

تبصره ۲- هر گاه کسی امری غیر از زنا یا لواط مانند مساحقه و نظایر آن به شخصی نسبت دهد به شلاق تا هفتاد و چهار ضربه محکوم خواهد شد.<sup>۶</sup>

ماده ۱۴۱- قذف باید روشن و بدون ابهام بوده و نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه باشد گرچه شنونده معنای آن را نداند.

ماده ۱۴۲- هر گاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید تو فرزند من نیستی محکوم به حدّ قذف می شود. همچنین اگر کسی به فرزند مشروع دیگری بگوید تو فرزند او

۱. ماده ۱۳۳- حکم این ماده مطابق با آنچه در دو ماده ۷۶ و ۱۲۶ گفته شد اصلاح شده است.

۲. ماده ۱۳۴- حکم ذیل ماده در صورت تکرار این صلب و تکرار تعزیر... حذف شده است. چنین حکمی تقریباً فاقد مصداق عملی است به علاوه نظر به پاره‌ای ملاحظات مصلحت‌آمیز اعمال مجازات شلاق را حتی الامکان باید محدود نمود.

۳. ماده ۱۳۵- عنوان «جمع» حذف شده است. همین اندازه که مرتکب الراد را به منظور برقراری روابط جنسی نامشروع با یکدیگر مرتبط سازد جرم قوادی تحقق یافته است نیازی نیست که وی افراد را در زمان و مکان خاصی گردهم آورده باشد.

۴. ماده ۱۳۹- حرف «ی» از آخر عبارت ماده حذف شده است (دیگری ← دیگر).

۵. در تبصره ۱- عنوان «مطالبه» به «درخواست» تبدیل شده است.

۶. در تبصره ۲ نیز به جای «سایر کارهای حرام» گفته شده: «نظایر آن». کارهای حرام یک عنوان کلی و مبهم است. اما نظایر آنه نسبت‌های ناروا را محدود به اعمال مشابه مساحقه نظیر تضخیم می‌کند.

## طرح حملات

نیستی محکوم به حد قذف خواهد شد.  
تبصره- در موارد مذکور در ماده فوق هر گاه قرینه‌ای در بین باشد که منظور قذف نیست، حد ثابت نمی‌شود.  
ماده ۱۴۳- هر گاه کسی به شخصی بگوید که تو با فلان زن زنا کرده‌ای یا با فلان مرد لواط نموده‌ای نسبت به مخاطب قذف خواهد بود و گوینده محکوم به حد قذف خواهد شد.  
ماده ۱۴۴- هر گاه کسی در مقام دشنام به دیگری به یکی از بستگان او نسبت زنا یا لواط دهد، نسبت به کسی که زنا یا لواط رابه او نسبت داده محکوم به حد قذف و نسبت به مخاطب هم به واسطه این دشنام تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیر می‌شود.<sup>۱</sup>  
ماده ۱۴۵- حذف شد.<sup>۲</sup>  
ماده ۱۴۶- قذف در مواردی موجب حد می‌شود که قذف کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد.<sup>۳</sup>  
ماده ۱۴۷- هر گاه نابالغ ممیز کسی را قذف کند به نظر حاکم تأدیبه می‌شود و هر گاه یک فرد بالغ و عاقل شخص نابالغ یا غیرمسلمان را قذف کند تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیر می‌شود.  
ماده ۱۴۸- اگر قذف شونده به آنچه به او نسبت داده شده است تظاهر نماید قذف کننده حد و تعزیر ندارد.  
ماده ۱۴۹- رابطه خویشاوندی میان قذف کننده و قذف شونده مانع ثبوت حد

نخواهد بود.<sup>۴</sup>  
تبصره- اگر پدر یا جد پدری فرزندش را قذف کند تعزیر می‌شود.  
ماده ۱۵۰- هر گاه مردی همسر متوفی خود را قذف کند، آن زن جز فرزند همان مرد وارثی نداشته باشد حد ثابت نمی‌شود و قذف کننده تعزیر می‌شود. اما اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد داشته باشد حد ثابت می‌شود.<sup>۵</sup>  
ماده ۱۵۱- هر گاه شخصی چند نفر رابه طور جداگانه قذف کند در برابر قذف هر یک جداگانه حد بر او جاری می‌شود خواه همگی با هم شکایت کنند خواه به طور جداگانه.  
ماده ۱۵۲- هر گاه شخصی چند نفر رابه یک لفظ قذف نماید اگر هر کدام از آنها جداگانه خواهان حد شوند برای قذف هر یک از

۱. ماده ۱۲۲- متن ماده از حیث عبارت اصلاح شده و الفاظ و عناوینی که دارای قبح عرفی هستند حذف شده‌اند.

۲. ماده ۱۴۵- با توجه به حکم ماده ۶۰۸ که توهین و فحاشی و استعمال الفاظ رکیک را موجب تعزیر مرتکب می‌داند حکم ماده ۱۴۵ زائد به نظر رسید و لذا، حذف آن پیشنهاد شده است.

۳. زیر ماده ۹۹ صورتی که... چون مفهوم مخالف صدر ماده است و این معنی بدون نیاز به بیان قانونگذار هم از اصل ماده مستفاد می‌گردد لذا، حذف آن پیشنهاد شده است.  
۴. ماده ۱۴۹- در این ماده قانونگذار در مقام بیان این مطلب برده که رابطه خویشاوندی میان قاذف و مقذوف مانع ثبوت یا موجب سقوط حد نیست در متن پیشنهادی این مطلب با بیانی روشن تر مطرح شده است.

۵. ماده ۱۵۰- در خصوص شق نخست این ماده یعنی عدم ثبوت حد درباره مردی که همه متوفای خود را قذف کرده گفته شده که چنین مردی قابل تعزیر است. چرا که در هر حال او مرتکب نقض یکی از مقررات شرعی شده. اگر نمی‌توان پدر را به درخواست پسر در معرض حد قرار داد می‌توان او را از باب تجاوز به حقوق عمر می تعزیر نمود.



۴- هرگاه مردی زنی را پس از قذف لعان کند. ماده ۱۶۲- هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آنها همانند باشد و خواه مختلف باشد حد ساقط و هر یک ناهفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیر می شوند.

ماده ۱۶۳- حد قذف اگر اجرا یا عفو نشده باشد به همه وراث غیر از زن و شوهر منتقل می گردد و هر یک از ورثه می توانند اجرای آن را در خواست نمایند هر چند دیگران عفو کرده باشند.<sup>۶</sup>

ماده ۱۶۴- حذف شد.<sup>۷</sup>

### باب ششم - مسکر

#### فصل اول - موجبات حد مسکر

ماده ۱۶۵- استعمال مسکر موجب حد است اعم از آن که کم باشد یا زیاد موجب مستی بشود یا نشود خالص باشد یا ممزوج به حدی که آن را از مسکر بودن خارج نکند.<sup>۸</sup> تبصره ۱- آب جو در حکم مسکر است و

۱. ماده ۱۵۵ و ماده ۱۵۶- حکم در ماده در هم ادغام شده است.

۲. همان.

۳. ماده ۱۵۷- عبارت «اشخاص» را قذف کننده حذف شده و عبارت «محرک» به حد لذف شونده جایگزین آن شده است. همچنین اصطلاح «کشفه» می شود حذف و عبارت «محرک» به اعدام شونده جانشین شده است.

۴. ماده ۱۵۹- کلمه «گسی» بعد از «هرگاه» اضافه شده است.

۵. ماده ۱۶۰- به صدر ماده کلمه «گسی» اضافه شده است به جای «چند حد ثابت می شود» گفته شده «و حد در باره او اجرا می شود».

۶. ماده ۱۶۲ و ماده ۱۶۳- حکم در ماده در هم ادغام شده است.

۷. همان.

۸. ماده ۱۶۵- عنوان «مخوردن شراب» به «استعمال مسکر» تبدیل شده است. این تغییر در موارد دیگر صورت گرفته است. «مست کند یا نکند» هم به «موجب مستی بشود» یا «نشود» تبدیل شده است. «ممزوج» هم جایگزین «مخلوط» شده است.

آنها حد جداگانه ای جاری می گردد ولی اگر با هم خواهان حد شوند فقط یک حد جاری می شود.

ماده ۱۵۳- قذف با دوبار اقرار یا با شهادت دو مرد عادل اثبات می شود.

ماده ۱۵۴- اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد.

ماده ۱۵۵- شلاق بر روی لباس متعارف و به طور متوسط زده می شود و نباید به سرو صورت و عورت قذف کننده زده شود.<sup>۱</sup>

ماده ۱۵۶- حذف شد.<sup>۲</sup>

ماده ۱۵۷- هرگاه کسی چند بار محکوم به قذف شود و هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم محکوم به اعدام می شود.<sup>۳</sup>

ماده ۱۵۸- هرگاه قذف کننده بعد از اجرای حد بگوید آنچه گفتم حق بود تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیر می شود.

ماده ۱۵۹- هرگاه کسی یک نفر را چندبار به یک سبب مانند زنا قذف کند فقط یک حد ثابت می شود.<sup>۴</sup>

ماده ۱۶۰- هرگاه کسی یک نفر را به چند سبب مانند زنا و لواط قذف کند دو حد درباره او اجرا می شود.<sup>۵</sup>

ماده ۱۶۱- حد قذف در موارد زیر ساقط می شود:

۱- هرگاه قذف شونده قذف کننده را تصدیق نماید؛

۲- هرگاه شهود با نصاب معتبر آن به چیزی که مورد قذف است شهادت دهند؛

۳- هرگاه قذف شونده یا همه ورثه او قذف کننده را عفو نمایند؛

## طرح اصلاحی

شرب اصل مسکر و دیگری به شرب نوع خاصی از آن شهادت دهد حد ثابت می شود. ماده ۱۷۳- اقرار یا شهادت در صورتی موجب حد می شود که احتمال عقلایی بر معذور بودن مرتکب در بین نباشد.

ماده ۱۷۴- حد شرب مسکر برای مرد یازن هشتاد ضربه شلاق است.

تبصره- غیرمسلمان فقط در صورت تظاهر به شرب مسکر به هشتاد ضربه شلاق محکوم می شود.

ماده ۱۷۵- حذف شد.<sup>۶</sup>

### فصل سوم- کیفیت اجرای حد

ماده ۱۷۶- مرد را در حالی که ایستاده باشد و پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و زن را در حالی که نشسته و لباس هایش به بدنش بسته باشد شلاق می زنند.

ماده ۱۷۷- حد وقتی جاری می شود که محکوم از حال مستی بیرون آمده باشد.

ماده ۱۷۸- چنانچه کسی چند بار شرب مسکر نموده و حد بر او جاری نشده باشد فقط یک حد درباره او اجرا می شود.

ماده ۱۷۹- هرگاه کسی چند بار شرب مسکر

استعمال آن موجب حد است.<sup>۱</sup>

تبصره ۲- حذف شد.<sup>۲</sup>

### فصل دوم- شرایط حد مسکر

ماده ۱۶۶- حد مسکر بر کسی ثابت می شود که بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسکر بودن و حرام بودن آن باشد.

تبصره ۱- در صورتی که مرتکب مدعی جمل به حکم یا موضوع باشد و صحت دعوی وی محتمل باشد محکوم به حد نخواهد شد.<sup>۳</sup>

تبصره ۲- هرگاه کسی بداند که استعمال مسکر حرام است و آن را استعمال کند محکوم به حد خواهد شد گرچه نداند که استعمال آن موجب حد است.

ماده ۱۶۷- هرگاه کسی مضطر شود و برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری به مقدار ضرورت استعمال مسکر کند محکوم به حد نخواهد بود.<sup>۴</sup>

ماده ۱۶۸- هرگاه کسی دوبار اقرار کند که مشروب خورده محکوم به حد می شود.

ماده ۱۶۹- اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده، عاقل، بالغ و مختار و دارای قصد باشد.

ماده ۱۷۰- در صورتی که طریق اثبات استعمال مسکر شهادت باشد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود.

ماده ۱۷۱- حذف شد.<sup>۵</sup>

ماده ۱۷۲- در شهادت به شرب مسکر لازم است از لحاظ زمان یا مکان و مانند آن اختلافی نباشد ولی در صورتی که یکی به

۱. تبصره ۱- عبارت «اگرچه مست کننده نباشد» حذف شده است.

۲. تبصره ۲- حکم تبصره ۲ زائد تشخیص شده و لذا حذف آن پیشنهاد گردیده است.

۳. تبصره ۱- «مضرب خورده» حذف شده و «مرتکب» جانشین آن شده است.

۴. ماده ۱۶۷- قید «صفت» از «بیماری» حذف شده است.

۵. ماده ۱۷۱- نظر اعضای کمیسیون بر حکم این ماده بوده است.

۶. ماده ۱۷۵- با توجه به حکم مادتهای ۷۰۳ و ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی حذف حکم این ماده پیشنهاد شده است.



رعب و وحشت ایجاد کند محارب است.  
 ماده ۱۸۶- هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کند مادام که مرکزیت آن باقی است تمام اعضا و کسانی که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند محاربند گرچه در شایعه نظامی شرکت نداشته باشند.<sup>۵</sup>  
 تبصره- حذف شد.<sup>۶</sup>

ماده ۱۸۷- هر فرد یا گروه که طرح بر اندازی حکومت جمهوری اسلامی ایران را بپذیرد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی مؤثر یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارد در حکم

۱. ماده ۱۸۲- نظیر آنچه در مادتهای ۷۷ و ۱۲۶ آمده حکم این ماده اصلاح شده است.
۲. «المسألة فی الارض» یا توجه به ابهام مفهومی و مصداقی آن حذف شده است. المسألة فی الارض یک مفهوم عام است و المراد و مصداق متعدد و مختلف لیه دارد در فقه جزایی اسلام تنها فردی از المراد المسألة یعنی محاربه مشمول مجازات‌های مقرر در قرآن مجید محسوب شده است. در منابع فقهی هم تنها از محاربه به عنوان حدی از حدود بحث شده است.
۳. ماده ۱۸۳- تعریف محاربه با ملاحظه آنچه در کتاب تحریرالوسیله آمده اصلاح شده است. در ضمن در مواد پیشنهادی آنچه مورد تعریف قرار گرفته محاربه است نه محارب.
۴. ماده ۱۸۴- از آنجا که حکم این ماده تلویحاً اقدامات مسلحانه مردمی و مداخله در امرها کمیت را تجویز نموده و به مردم اجازه داده که به بهانه یا تصور محارب بودن گروه خاصی مبادرت به اقدامات مسلحانه بنمایند لذا حذف آن پیشنهاد شده است.
۵. ماده ۱۸۶- قید «جمهوری» به حکمت و قید «ایران» به اسلامی اضافه شده است. به علاوه به جای «هواداران» گفته شده «کسانی که».
۶. تبصره- از آنجا که حکم ماده مشمول به موضوع مورد نظر در تبصره هم دارد لذا حکم تبصره زائد به نظر رسیده و حذف آن پیشنهاد شده است.

بنماید و بعد از هر بار حدّ بر او جاری شود در مرتبه سوم اعدام می‌شود.  
 ماده ۱۸۰- هر گاه محکوم به حدّ دیوانه یا مرتد شود حدّ از او ساقط نمی‌شود.  
 ماده ۱۸۱- هر گاه کسی مشروب خورده قبل از اقامه شهادت توبه نماید حدّ از او ساقط می‌شود ولی توبه بعد از اقامه شهادت موجب سقوط حدّ نیست.  
 ماده ۱۸۲- هر گاه کسی بعد از اقرار به شرب مسکر توبه کند دادگاه پس از احراز توبه می‌تواند برای او تقاضای عفو نماید یا حدّ را بر او جاری سازد. چنانچه پیش از اقرار توبه کرده باشد حدّ از او ساقط می‌شود.<sup>۱</sup>

### باب هفتم - محاربه<sup>۲</sup> فصل اول- تعاریف

ماده ۱۸۳- محاربه عبارت است از اقدام مسلحانه برای ایجاد رعب و هراس و سلب امنیت و آزادی مردم به منظور افساد در زمین.<sup>۳</sup>  
 تبصره ۱- چنانچه اقدامات مسلحانه در اثر ناتوانی مرتکب موجب رعب و هراس کسی نشود محاربه محسوب نخواهد شد.  
 تبصره ۲- اقدامات مسلحانه علیه یک یا چند نفر مخصوص با انگیزه شخصی و بدون آن که جنبه عمومی داشته باشد محاربه محسوب نخواهد شد.  
 تبصره ۳- میان سلاح گرم و سرد فرقی نیست.

ماده ۱۸۴- حذف شد.<sup>۴</sup>

ماده ۱۸۵- سارق مسلحانه و راهزن هرگاه با اسلحه امنیت مردم یا جاده را بر هم بزنند و

## شرح مواد و آرای

تبصره - در صورتی که اجرای بعضی از مجازات‌های فوق دارای مفسده‌ای باشد قاضی نمی‌تواند آن را انتخاب کند.<sup>۶</sup>

ماده ۱۹۲ - حد محاربه با عفو صاحب حق ساقط نمی‌شود.

ماده ۱۹۳ - محاربه که تبعیدی شده باید تحت مراقبت قرار گیرد و بادیگران معاشرت و مراوده نداشته باشد.

ماده ۱۹۴ - حداقل مدت تبعید یک سال است گرچه محاربه پس از دستگیری یا در اثنای مدت مزبور توبه کرده باشد. پس از انقضای مدت یک سال در صورت توبه آزاد می‌شود. در غیر این صورت همچنان در تبعید خواهد ماند.<sup>۷</sup>

ماده ۱۹۵ - مصلوب کردن محاربه به صورت زیر انجام می‌شود:

الف - نحوه بستن موجب مرگ نگردد؛

ب - بیش از سه روز به صلیب نماند ولی اگر در اثنای سه روز بمیرد می‌توان او را پایین آورد؛

۱. مادنتین ۱۸۷ و ۱۸۸ - با توجه به سوابق فقهی گفته شده که این گونه الراد در حکم محاربتند.

۲. ماده ۱۸۹ - الف - قید و مقرون به قوانین و امارات معقول باشد اضافه شده است.

۳. ماده ۱۸۹ - ب - لفظ «لقطه زائد تشخیص شده و حذف آن پیشنهاد گردیده است. همان».

۴. «قتل به اعدام»، «آویختن به دار» به «مصلوب کردن» و «لفظ بلده به تبعیده تبدیل شده است. در بند ۳ کلمات اول و سپس حذف شده است.

۵. ماده ۱۹۱ - با توجه به حکم ماده ۲۰۲ قانون حدود و قصاص مصوب سال ۱۳۶۱ تبصره‌ای به ماده ۱۹۱ الحاق شده است.

۶. ماده ۱۹۲ - عبارت ماده ۱۹۲ دارای ابهاماتی بوده لذا، متن آن اصلاح شده و به صورتی روشن‌تر بیان شده است.

محاربه است.

ماده ۱۸۸ - هر کس در طرح براندازی حکومت جمهوری اسلامی ایران خود را نامزد یکی از پست‌های حساس حکومت کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا مؤثر باشد در حکم محاربه است.<sup>۱</sup>

فصل دوم - راه‌های اثبات محاربه

ماده ۱۸۹ - محاربه از راه‌های زیر اثبات می‌شود:

الف - با یک بار اقرار به شرط آن که اقرارکننده بالغ و عاقل بوده و اقرار او با قصد و اختیار و مقرون به قرائین و امارات معقول باشد.<sup>۲</sup>

ب - با شهادت دو مرد عادل.<sup>۳</sup>

تبصره ۱ - شهادت کسانی که مورد تهاجم محاربان قرار گرفته‌اند به نفع همدیگر پذیرفته نیست.

تبصره ۲ - حذف شد.

تبصره ۳ - حذف شد.<sup>۴</sup>

فصل سوم - حد محاربه

ماده ۱۹۰ - حد محاربه یکی از چهار چیز است:

۱ - اعدام؛

۲ - مصلوب کردن؛

۳ - قطع دست راست و پای چپ؛

۴ - تبعید.<sup>۵</sup>

ماده ۱۹۱ - انتخاب هر یک از امور چهارگانه به اختیار قاضی است. خواه محاربه کسی را کشته یا مجروح کرده یا مال او را گرفته باشد و خواه هیچ یک از این کارها را انجام نداده باشد.



ج- اگر بعد از سه روز زنده بماند آزاد می‌شود.<sup>۱</sup>

ماده ۱۹۶- قطع دست راست و پای چپ محارب به گونه‌ای است که در حد سرقت عمل می‌شود.

### باب هشتم - سرقت

#### فصل اول- تعریف و شرایط

ماده ۱۹۷- سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی.

ماده ۱۹۸- سرقت در صورتی موجب حد می‌شود که دارای کلیه شرایط و خصوصیات زیر باشد:<sup>۲</sup>

۱- سارق به حد بلوغ شرعی رسیده باشد؛

۲- سارق در حال سرقت عاقل باشد؛

۳- سارق با تهدید و اجبار وادار به سرقت نشده باشد؛

۴- سارق قاصد باشد؛

۵- سارق بداند و ملتفت باشد که مال، متعلق به غیر است و ربودن آن حرام است؛

۶- سارق به تنهایی یا به کمک دیگری هتک حرز کرده باشد؛

۷- ارزش مال در هر بار سرقت کمتر از  $\frac{4}{5}$  نخود (معادل  $2/75$  گرم) طلای مسکوک نباشد؛

۸- سرقت از روی اضطرار نباشد؛

۹- سرقت در زمان قحطی صورت نگرفته باشد؛

۱۰- حرز و محل نگهداری مال از سارق غصب نشده باشد؛

۱۱- سارق مال را به عنوان سرقت برداشته باشد؛

۱۲- مال مسروق در حرز مناسب نگهداری شده باشد؛

۱۳- مال مسروق از اموال دولتی و وقف و مانند آن که مالک شخصی ندارد نباشد.

تبصره ۱- حرز عبارت است از محل نگهداری مال به منظور حفظ از دستبرد؛

تبصره ۲- بیرون آوردن مال از حرز توسط دیوانه یا طفل غیر ممیز و حیوانات و امثال آن در حکم مباشرت است.

تبصره ۴- هرگاه سارق قبل از بیرون آوردن مال از حرز دستگیر شود حد بر او جاری نمی‌شود.

تبصره ۳- هرگاه سارق مال را در اختیار مالک قرار داده باشد حد جاری نمی‌شود.

#### فصل دوم- راه‌های اثبات سرقت

ماده ۱۹۹- سرقتی که موجب حد است با یکی از راه‌های زیر ثابت می‌شود:<sup>۳</sup>

۱- شهادت دو مرد عادل؛

۲- دومرتبه اقرار سارق نزد قاضی به شرط آن که اقرارکننده بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد.

تبصره- اگر سارق یک مرتبه نزد قاضی اقرار به سرقت کند باید مال را به صاحبش بدهد اما حد بر او جاری نمی‌شود.

#### فصل سوم- شرایط اجرای حد

ماده ۲۰۰- در صورتی حد سرقت جاری

۱. ماده ۱۹۵- ج- عبارت و نباید او را کشته گفته شده: و آزاد می‌شود.

۲. بند ۶ در بند ۱۵ ادغام شده است. بند ۷ با توجه به مفاد بند ۱۵ زائد به نظر رسیده و لذا حذف آن پیشنهاد شده است. بندهای

۹ و ۱۰ هم اصلاح شده‌اند. بند ۱۱ (سرقت پدر از فرزند) حذف شده است. تبصره ۱۴ از لحاظ عبارت اصلاح شده است.

۳. ماده ۱۹۹- بند ۲ (علم قاضی) با توجه به مفاد ماده ۲۰۳ مکرر حذف شده است.

## طرح‌های اصلاحی

ماده ۲۰۲- حذف شد.<sup>۲</sup>  
ماده ۲۰۳- سرقتی که واجد شرایط ثبوت و اجرای حد نباشد مشمول مقررات مذکور در قانون تعزیرات است.<sup>۳</sup>  
ماده ۲۰۳- مکرر

الف- در امور جزایی قاضی به استناد علم خود که از طریق متعارف به دست آمده با ذکر مستند علم حکم می‌کند. مراد از طریق متعارف مشاهده و استماع و دلایل عقلی و عملی است که در هر مورد باید مفید یقین باشد.  
ب- شهادت و اقرار در صورتی مستند حکم واقع می‌شوند که مقرون به قرائن عقلی و علمی بوده و موجب حصول یقین و اقناع وجدانی باشند.<sup>۴</sup>

□ □ □

۱. تبصره ماده ۱۹۹- تبصره مورد بحث با توجه به مشابهت موضوعی با حکم مندرج در مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ اصلاح شده و حکم آن شبیه آنچه در موارد مزبور آمده تنظیم شده است.  
۲. ماده ۲۰۲- حکم این ماده با توجه به اختلاف فقها در خصوص آن و حکایت قاعده و بنای حدود بر احتیاط و تخفیف حذف شده است. نگاه کنید به شهید ثانی، شرح اللئمه، ج ۸، ص ۲۸۹.  
۳. ماده ۲۰۳- با توجه به مواد ۶۵۱ به بعد قانون تعزیرات حکم این ماده زائد به نظر رسیده و حذف آن پیشنهاد شده است.  
۴. ماده ۲۰۳ مکرر. علم قاضی در مواد ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۹۹ از عداد ادله اثبات دعوی به شمار آمده. نظر به کلیت حکم و عدم اختصاص آن به اثبات حد خاصی از حدود پیشنهاد شده که مسئله علم قاضی به صورت یک حکم کلی و در یک ماده مستقل همراه با پاره‌ای اصلاحات ضروری تنظیم گردد و در آخر کتاب حدود ذکر شود- در قسمت (ب) نیز با توجه به قاعده عقلی و عمومی ضرورت اقناع وجدانی قاضی در امور جزایی مقرر شده که طریق اثبات حدود به تنهایی و بدون حصول یقین و قناعت وجدان برای قاضی مستند حکم واقع نشوند. بنای حدود و احتیاط و تخفیف از سوی و سنگین بودن مجازات‌ها از سوی دیگر سبب اتخاذ چنین تصمیمی شده است.

می‌شود که شرایط زیر موجود باشد:  
۱- صاحب مال نزد قاضی از سارق شکایت کرده باشد؛  
۲- صاحب مال پیش از شکایت سارق را نبخشیده باشد؛  
۳- صاحب مال پیش از شکایت مال را به سارق نبخشیده باشد؛  
۴- مال مسروق قبل از ثبوت جرم نزد قاضی به مالکیت سارق در نیامده باشد.  
۵- سارق قبل از ثبوت جرم توبه نکرده باشد.  
تبصره - هرگاه اثبات سرقت از طریق اقرار باشد در صورتی که اقرار کننده توبه نماید دادگاه پس از احراز توبه می‌تواند برای او تقاضای عفو کند یا حد را بر او جاری سازد. چنانکه قبل از اقرار توبه کرده باشد حد از او ساقط می‌شود.<sup>۱</sup>

### فصل چهارم - حد سرقت

الف- در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست از انتهای آن به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.  
ب- در مرتبه دوم قطع پای چپ از پایین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.  
ج- در مرتبه سوم حبس ابد.  
د- در مرتبه چهارم اعدام هر چند سرقت در زندان باشد.  
تبصره ۱- سرقت‌های متعدد تا هنگامی که حد جاری نشده در حکم یک بار سرقت‌اند.  
تبصره ۲- معاون در سرقت موجب حد به یک تا سه سال حبس محکوم می‌شود.